

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political Satire

طنز سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۳ آگست ۲۰۰۹

شکوه

(۴) در پاکستان :

{ ج }

مدتی بگذشت و زمانی رسید
نالهِ و فریاد و فغانی کشید
جمله پس اندازِ عجب شد تمام
خرچی ، نبودش دگر و والسلام
یک رجبی بود و یکی هم عجب
حاجی رجب، ملاعجب، صید و جب
قرض و قروضش دگر از حد گذشت
تارکِ منزل شد و مسجد نشست
خانمِ او فوت شدی ناگهان
از کفن و قبر ، چه گوید زبان
یک رجبی بود و یکی هم عجب
حاجی رجب، ملاعجب، صید و جب
دستِ طلب ، هر طرفی شد دراز
در همه جا ، مسجد و وقتِ نماز

بهر سؤالی ، نشنیدی جواب
 جمله کر و کور و ، و یا رفته خواب
 یک رجبی بود و یکی هم عجب
 حاجی رجب ، ملا عجب ، صید و جب
 دار و ندارش ، همه لیلام کرد
 پخته شد و ترک همه خام کرد
 مبلغی ناچیز ، به دستش رسید
 نقشه آینده ، به فکرش کشید
 یک رجبی بود و یکی هم عجب
 حاجی رجب ، ملا عجب ، صید و جب
 با پسر و دختر و بانوه اش
 عودت میهن ، یکی از چاره اش
 نوکری اجنبیان را گزید
 تار و نخ غربتیان را بُرید
 یک رجبی بود و یکی هم عجب
 حاجی رجب ، ملا عجب ، صید و جب
 رفت به کابل ، به بر طالبان
 ریش دراز ماند ، ز جور زمان
 اسم ، عوض کرد به ملا عجب
 زانکه دگر نیست ، رفیقش رجب
 ملا عجب جان ، هنر دین نگر
 ریش دراز و ، فنر دین نگر

شکوه

(۵) در افغانستان :

{ الف }

داکتر دین گشت به خاص و به عام
 قاری قرآن و به مسجد امام

ماه دگر ، قاضی قضاات شد
فخر زمین ، نورِ سماوات شد
ملا عجب جان ، هنر دین نگر
ریش دراز و ، فنر دین نگر

بقیه دارد